

نمادشناسی در فرهنگ مردم کرد

خاور رستمی نژادان*

چکیده

نمادها از جمله عناصر مهم در روابط اجتماعی و انتقال مفاهیم فرهنگی هستند. در کردستان نمادهای هنری، شفاهی و غیرشفاهی به مثابه یک زبان عمل می‌کنند و ریشه در خودآگاه و ناخودآگاه مردم دارند. این نمادها معانی گوناگونی را درباره فرهنگ کردستان تداعی می‌کنند. انواع نمادها را می‌توان در عناصر طبیعی، اجتماعی، انتزاعی، گیاهی، حیوانی و غیره دید. از این نمادها می‌توان در دکور برنامه‌های ترکیبی مربوط به مناطق کردنشین و همچنین به عنوان نشانه‌ها در برنامه‌های مربوط به آن مناطق استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: نماد، نمادشناسی، فرهنگ قوم کرد، نمادهای قوم کرد،

باورهای قوم کرد

مقدمه

نمادها عناصر مهم فرهنگی هستند که دستیابی به مؤلفه‌های فرهنگی را به صورت عمیق‌تری امکان‌پذیر می‌سازند. در فرهنگ مردم کرد نمادها اهمیت و جایگاه برجسته‌ای دارند. سنت‌ها، مناسک، آیین‌ها، باورهای مذهبی و ... اغلب به صورت نمادین تداوم می‌یابند. در جوامع سنتی و مناسکی، باور و فرهنگ اهمیت به‌سزایی دارد. بنابراین نمادها در زندگی اعتقادی و دینی مردم تنیده شده‌اند و بررسی و مطالعه آنها برای شناخت عمیق این جوامع ضروری است. از آنجا که هر نماد در طول زمان تغییر می‌کند، دریافت ما از نماد در بین مردم و معنای آن مستلزم مشاهده زندگی مردم و مشارکت در آن است. در این مقاله به نمادهایی همچون حیوانات، گیاهان، عناصر طبیعی، مفاهیم اجتماعی و عناصر انتزاعی که در جامعه کردستان بویژه در منطقه مریوان بااهمیت قلمداد می‌شوند، اشاره شده است.

۱. حیوانات

از دیرباز حیوانات با باورها و فرهنگ مردم در جوامع مختلف پیوند داشته‌اند. در بین مردم کرد حیوانات اهلی بخش زیادی از نمادپردازی را به خود اختصاص داده‌اند و یکی از دلایل روشن این موضوع آن است که مردم کرد از دیرباز در زندگی و معیشت خود با دامپروری و حیوانات اهلی و غیراهلی در ارتباط بوده‌اند. یکی از مهم‌ترین این حیوانات، قوچ است که نماد دارایی و ارزشمندی است. در کنار قوچ، بز حالت عکس آن را دارد و نماد مال کم، موجودی نااهل و لاابالی است.

از حیوانات اهلی دیگر اسب است که نماد سرکشی، دارایی و ثروت است.

ماکیان هم به عنوان همراهان کوچ و زندگی، از نمادهای معمول در بین مردم هستند. «کهله شیر» (kala ir) یا خروس، نماد چالاکی، صبح، بی پروایی، خبررسانی و غرور است. در افسانه‌ها خروس رازگوست: «خروسی بود که هرگاه اتفاقی می افتاد می خواند. وقتی خروس می خواند آن را نشانه اتفاقی می دانستند...» مرغ، نشان فراوانی، سروصدا و موجودی سطحی است. ماهی نیز در کنار مرغ، نماد فراوانی و برکت است. کردها می گویند اگر در خواب مرغ و ماهی ببینی، سرت به پادشاهی می رسد. مرغابی از ماکیان دیگر است که نماد و نشانه حرکت آرام و موزون و زیبایی است. (لیسکو، ۱۳۸۱: ۲۵۴)

سگ از دیگر حیوانات مهم و اهلی است که ارزش و جایگاه نمادین خاصی در بین مردم دارد. سگ، نماد مهمی برای وفاداری است که در کردستان این وفاداری را «سفهت» (sfat) می گویند. گرچه خواری و گستاخی نیز به این حیوان نسبت داده می شود (همان)، اما این نمادپردازی منفی بیشتر جنبه دینی دارد، زیرا در دین اسلام، سگ، حیوانی نجس است. در مقابل سگ که نماد بارز وفاداری است، گربه، نماد خساست، بی وفایی و قدرنشناسی، شر و بدشگونی است. اصطلاح «کته نهوتینی» (keta nawtine) به معنای «گربه نفت آلود» و کنایه از انسان بخیل و حسود است که در میان مردم رواج دارد. علاوه بر ماکیان، پرنندگان و مرغان دیگر غیراهلی نیز معانی نمادین مخصوص به خود را دارند. «بایه قوش» (bâye u) یا جغد، نماد ویرانه است؛ صدای این پرنده خبر از حوادث بد می دهد:

قووله‌ی بایه قوش سوب وه هه‌رده‌وه، زام کونه نو تازه که‌ردو

qulay bâye u sob va hardave zâme kunav no tâze kardave

صبحگاهان صدای جغد بر کوه و شاخساران، زخم‌های دیرین من را دوباره

تازه کرد.

در میان پرندگان، کبک یکی از پرندگانی است که در ادبیات و اشعار عاشقانه و مردمی جایگاه منحصر به فردی دارد (همان). این پرنده نماد جوانی، زادگاه و سرزمین مادری است (همان). در شعر زیر کبک معادل سرزمین است: با ژهره ژ بوانو بهرزوو دهر به نی هورزه با که رمی سه پرو وه طه نی

bâ ara bewâno barzu darbani, horze bâ karmi sayro watani

زمانی که کبک بر دامنه های دَرَبِن (نام کوهستانی در منطقه است) می خواند، بگذار به گشت و گذار در سرزمین و وطن خود برویم.

نماد دیگر در میان مرغان، ققنس (qaqnas) یا فاخته است که نماد سوخته دلی، تباه شدن و نابودی است. در شعر زیر این نماد آمده است:

من قه قنه س نه بیم، ها بیم به قه قنه س، یکجاریش نه مشه و به رشیم جه

دهس

men qaqnas nabim hâ bim be qaqnas, yakjâri em awv ber im je das

من فاخته نبودم، اما فاخته شدم، امشب یکسر از دست می روم. (مدرسی،

۱۳۸۴: ۲۷)

حیوانات غیر اهلی منطقه نیز در کنار حیوانات اهلی جایگاه نمادین و فرهنگی و جنبه زیبایی شناختی برای مردم دارند. در میان این حیوانات، کل (kal) یا بزکوهی در کردستان مورد احترام و دارای معانی نمادین مهمی است. این حیوان نماد ارزشمندی، بهره، مال، غنیمت، شجاعت، دلاوری، سربلندی و میمنت است.

نمونه هایی از این نمادپردازی در ضرب المثل های زیر آمده است:

که لیکمان نگر تگه تا پاش که لیکیش بگرین

kalikmân nagertega tâ p kaleki bagrin

نمادشناسی در فرهنگ مردم کرد ❖ ۹۹

تاکنون بز کوهی (کل) نگرفته‌ایم یا نصیبمان نشده است که امیدوار باشیم یک بز کوهی دیگری بگیریم. در اینجا کل، غنیمتی است که هر کسی نمی‌تواند به آن دست یابد.

پلنگ و شیر از حیوانات دیگری هستند که با وجود خطری که برای انسان دارند، از چهره نمادین و فرهنگی مطلوبی در کردستان برخوردارند. این موضوع در جای خود نشان‌دهنده ناکارایی نظریه کارکردگرایی در توضیح اعتقادات و موضوعات فرهنگی است. پلنگ در کردستان نماد شجاعت، سخاوت، بزرگی و جوانمردی است. در یک افسانه معروف، پلنگ شاهزاده‌ای بود که به حیوان تبدیل شده بود و سخاوتمندانه به خانواده‌ای بینوا کمک می‌کرد. در کنار پلنگ، شیر هم به معنای شجاعت، دلوری و راستی است که در مقابل روباه که نماد حیله‌گری و فریب، دغل و ترس و موجود ضعیفی است، قرار می‌گیرد.

مار از حیوانات خطرآفرین و در عین حال بسیار مهم در فرهنگ کردهاست و یکی از نمادهای باستانی این مردم به شمار می‌رود. در مورد مار، بسیار بیش از حیوانات دیگر در کردستان اصطلاحات و ضرب‌المثل و اسطوره بر سر زبان‌هاست. مار بویژه مار سیاه یا «رشمار» (ra mâr) در کردستان نماد دانش، فرهنگ، پزشکی، سیاست، قدرت و توانایی است و مانند یک توت‌م، تقدس دارد. ضرب‌المثل‌هایی چون:

ماری کلک براو کلکی له بیر ناچیته‌وه

mâri kelk berâw kelki la bir n itawa

مار دم‌بریده، دمش را فراموش نمی‌کند. (خال، ۱۹۷۱: ۴۱۰)

۲. گیاهان و درختان

علاوه بر حیوانات، عناصر مهم دیگری در طبیعت وجود دارند که دارای ارزش فرهنگی هستند. تنوع به نسبت زیاد گیاهان در مناطق کردنشین، جایگاه ویژه‌ای به این عنصر در فرهنگ مردم کردستان بخشیده است. گل‌ها، گیاهان و درختان، با تغذیه، زیبایی‌شناسی و هنر و حتی اعتقادات دینی مردم پیوندخورده‌اند.

دو گیاه نمادین مهم در ادبیات و فرهنگ مردم، نعناع زیتنی یا مریم‌گلی کوهی و چنور (enoor) یا گیاه روغن است. نعناع زیتنی، نماد سرزمین، شادی و طبیعت و چنور نیز نماد زیبایی، طراوت و بهار است. در ادبیات کردی این دو گیاه معمولاً همراه با یکدیگر می‌آیند:

سووره هه‌راله‌ی وات من یاگیم خرره‌ن

هه‌ر وه‌ختی به‌ر بو واده‌ی کوپره‌ن

sure harâlay wât men yâgim xeran, harwaxti bar bu wâday ku peran

نعناع زیتنی قرمز گفت جای من در میان سنگ‌ها و دامنه‌های سنگلاخی است. هر وقت برویم، آن زمان اواخر فصل بهار است.

سووره هه‌راله‌ی وات کون چنووری دیز

کون هاره‌ی وه‌رواو مه‌کنیو جه ریز

sure harâla wât kun enuri diz, kon hârey warwâw makenyu je riz

نعناع زیتنی قرمز گفت گیاه روغن زیبارنگ کجاست؟ کجاست برف آب کوهستان که از سنگ‌ها بیرون می‌جهید؟

سووره هه‌راله سووری پهل باریک یانو دله‌که‌و من نه‌که‌ری تاریک

sureharâle suri pal bârik, yâno delako men nakari târik

نعناع زیتنی قرمز رنگ، ای سرخ زیبا قامت، خانه‌دلم را ویران نساز.

(امینی، ۱۳۸۶: ۱۹۵)

نمادشناسی در فرهنگ مردم کرد ❖ ۱۰۱

به دلیل وجه بارز و نمادین این دو گیاه زیبای کوهستانی در کردستان، بسیاری از دختران کرد را بدین نام می‌خوانند و نامگذاری می‌کنند. گیاه معطر «ریحان» نیز تداعی‌کننده فصل جوانی و نشاط است و در گذشته از هدایای معمول مردم به دوستان و عزیزانشان به شمار می‌رفته است. «حنا» و رنگ حنایی، نماد تقدس و شادی است. اصطلاح «پنجه خه‌نین» (panje xanayn) در زبان کردی به کسی گویند که دست به سیاه و سفید نزند. گویا چون معمولاً نوعروسان از حنا استفاده می‌کنند، این اصطلاح بدین صورت رایج شده و معنای آن پنجه‌حنایی است. میخک هم مانند حنا دارای وجه زیبایی‌شناختی و تقدس برای مردم است. میخک را مردم، گیاه مخصوص حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) می‌دانند و در زمان عروسی و تولد فرزندان، حضور میخک در این مراسم یکی از رسم‌های مردم است. در میان میوه‌ها، میوه درخت «به»، نشانه ایمان، ظرافت و زیبایی است و میوه بهشتی نامیده می‌شود. دیدن «به» در خواب برای مردم به معنای نیکی و اوج است. سیب هم مانند «به» نماد زیبایی، جوانی و ایمان است. انار در برخی از ضرب‌المثل‌ها، مقابل «به» و میوه‌ای ترش و نماد تلخی، ناراحتی و ناخوشی است. «بلوط» یکی دیگر از درختان مهم و نمادین نزد اقوام زاگرس‌نشین است. پوسته بلوط نماد دشواری و سختی، مزیقه و تنگی است. چوب درخت پسته کوهی، نماد سلامتی و استحکام است. گردو، نماد سختی، انسجام و گاه حرف بیهوده است.

وهزی پوازو ویش نه‌بو مه‌تره‌کو vzzi zezzz z z ia namm mtrkko
 درخت گردو فقط با تبر از جنس خودش شکسته می‌شود. (همان)

۱۰۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در این ضرب‌المثل درخت گردو، نماد استحکام و انسجام است. «ته‌رینی» (tarini) که نام درختچه‌ای کوهی است، برخلاف گردو، نماد امر ناچیز و کم‌اهمیت، کوچک و انعطاف‌پذیر است.

ته‌رینی دارش چنه هور مه گنو tarini d'are ne hurh ggno

از درختچه‌ترین ستون چوبی مستحکم نمی‌توان ساخت.

مفهوم آن جبر طبقه اجتماعی و ثابت ماندن جایگاه افراد در تداوم نسل آنهاست.

۳. عناصر طبیعی

منظور از عناصر طبیعی در اینجا، عناصر و پدیده‌های طبیعی مانند کوه‌ها، چشمه‌ها، فصول و ... است که به شیوه‌های گوناگون در فرهنگ کردها نمود پیدا کرده است. وجه نمادین این عناصر و اهمیت نمادینی که در بین مردم برای آنها وجود دارد، طبیعتی فرهنگی به این عناصر می‌بخشد که بخشی از ویژگی‌های فرهنگی این جامعه در ارتباط با آنها قرار می‌گیرد.

سنگ‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی، طیف وسیعی را دربرمی‌گیرند. سنگ‌های معمولی و سنگ‌های قیمتی مانند یاقوت، فیروزه و عقیق گاه دارای مصارف دارویی و نماد موضوعی خاص هستند. سنگ معمولی نماد سختی، مقاومت و سکون است. در کردستان - مثلاً در روستاهای اورامان - استفاده از سنگ رواج دارد. اصطلاح «به‌رد له بارین» (bard le bârin) به معنای باریدن سنگ بر کسی، استعاره‌ای از قهر و خشم خداوند بر کسی است.

در فرهنگ مردم کرد، ریگ نماد فراوانی است و «رزی روخانه» (rezi ruxâne) ریگ رودخانه استعاره از فراوانی موضوع است. کوه را

نمادشناسی در فرهنگ مردم کرد ❖ ۱۰۳

می‌توان شکل دیگری از مجموعه کلی سنگ دانست که نماد پایداری، توده، مقصود، مراد و جایگاه عبادت است. قله کوه، نماد فراخی، تدبیر، چاره‌اندیشی، آشکار شدن و معلوم کردن است. در کردستان، کوه‌هایی چون بیستون، دالاهو، شاهو نمادهای مهمی برای بیان عواطف و درونیات شاعران و بدیبه‌سرایان کرد به شمار می‌روند. در شعر زیر، نمونه‌ای از این موضوع را می‌بینیم:

منوو شاهو عهدمان که‌ردهن ئاد ته‌موو من خه‌م تا نه‌رووی مه‌ردهن
 meno ٩٩hu ?ahdemân kardan, âth tamuo men xam tâ narooy maraton

من و شاهو با یکدیگر عهد بسته‌ایم که تا روز مرگ قسمت او مه قرار گرفته بر قله او باشد و قسمت من غم و اندوه.

یکی از سنگ‌های نمادین، «هاره» (hâre) یا سنگ «هه‌وار» است که نماد فراق، وداع، غم و اندوه است و زمان کوچ ایل، این سنگ‌ها و جا و مکان بر جای مانده ایل، تداعی‌کننده معشوق و یکی از موضوعات رایج فولکلوری است.

زمانی که سنگ‌های قیمتی مورد نظر باشد، این سنگ‌ها مظهر ارزشمندی و اصالت است که معمولاً در مقابل چوب قرار می‌گیرد.

غار، نماد سردی، تاریکی، محل دیو، مکان دور از فرهنگ و انسان است. در داستان‌های کردی غار، جایی است که نخستین آتش را انسان از آنجا و از دیوها به دست آورد.

یکی از رایج‌ترین مفاهیم در ادبیات کردی، «شه‌مال» (amâl) یا باد ملایم است که نماد پیام‌آور و حاکم است. توسل به باد «شه‌مال» یا باد خنک برای رسیدن عاشق به معشوق در آوازه‌ها و اشعاری که در کردستان بر سر زبان‌هاست، فراوان به چشم می‌خورد. شعر زیر مثالی از این گونه ادبیات است:

که وو تووو ته بنیمان حهوت کهش وحهوت کو

مه گر بای شه مال بم گینی به تو

kawtuvata baynamân hawt ka wahwatku, magar bây amâl
bemgayeni ba tu

بین من و تو به اندازه هفت کوه و صحرا فاصله است. فقط باد شمال باید
ما را به یکدیگر برساند.

در نمونه‌ای دیگر که یک لالایی است، باد «شه‌مال» نمادی از چرخ گردون
است:

لایه لایه ات بوئه کهم خه یلی بمانو، چون شه‌نه‌ی شه‌مال ده‌وری برانو

lâye lâyet bu ?akam xayli bemânu, on enay amâl davri berâno.

برای تو لالایی می‌گویم خیلی بمانی و با باد شمال دوران برانی (سلیمی و
کهریزی، ۱۳۸۷: ۱۴۲)

انواع دیگری از بادها از جمله «زه‌لان» (zalân) یا باد پاییزی، «زه‌ریان»
(zeryân) یا باد گرم و «سروه» (serweh) یا باد صبحگاهی، نمادهای ادبی و
فرهنگی مهمی در کردستان به شمار می‌روند. باد صبحگاهی، مطهر و
تطهیرکننده است. در کنار باد، ابر، نماد تیرگی، خشم و غضب است. «هه‌وره
تریشقه» (hawra triqqa) یا رعد و برق نماد بالای ناگهانی است. اصطلاح
«برقی غه‌ضه‌ب لی بارین» (barqi qazab le bârin) به معنی برق غضب بر
کسی باریدن، یکی از نمونه‌هایی است که معنای نمادین رعد را به عنوان
مظهری از قدرت نشان می‌دهد.

آب و چشمه، همچنان که در طبیعت دیده می‌شود، نماد پاکی و روشنایی
است. زمانی که کسی خواب ناخوشایندی را ببیند، گویند برای آب تعریف

نمادشناسی در فرهنگ مردم کرد ❖ ۱۰۵

کنید تا آب آن را با خود ببرد. این اعتقاد نوعی توسل به شادی‌ها برای مقابله با نامرادی‌هاست.

عنصر طبیعی مهم دیگر، آتش است. آتش نماد بی‌پروایی، جسارت، جنگ، دشمنی، تمدن، فرهنگ، خانه و کاشانه است. ضرب‌المثل‌های زیر جنبه نمادین آتش را نشان می‌دهد:

ئاو کرا به ناگرا ?âow kerâ ba ?âgerâ

آب بر آتش ریخته شد.

آشوب و اضطراب از بین رفت و وضعیت به حالت معمول خود بازگشته‌است.

ئاگر له چاوی ئه‌باری ?âger la ٩٩ti ?abâri

آتش از چشمش می‌بارد. (خال، ۱۹۷۱: ۲۲)

کنایه از کسی است که خشمگین باشد.

رودخانه‌ها یکی از موضوعات مهم نمادپردازی مردم هستند. «سیروان» (sirwân) نام رودخانه‌ای در کردستان، یکی از نمادهای مهم فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم است. این رودخانه، نماد همدردی، صبوری و وطن است. ابیات زیر بخشی از این نمادپردازی شاعرانه را نشان می‌دهد:

هه‌ی داد هه‌ی بی‌داد، ده‌ردم تاو تاوه، شه‌و له ناله‌ی من سیروان بی‌ئاوه

hay dâd hay bi dâd dardam tâw tâwe, aw la nâlây men sirwân bi âve

ای داد دردم بسیار است. شب هنگام از ناله‌ام سیروان بی‌آب است.

سیروان غه‌ریمم قه‌درم بزانه ده‌ردی غه‌ریبی گه‌لی گرا‌نه (همان)

sirwân qaribem qadrem bezâne, darde qaribi gali gerâne

سیروان من غریبم، تو قدر مرا بدان. چون درد غریبی، درد گرانی است.

شب، نماد سختی، حادثه ناگوار و سیاهی است. به همان مقدار که نمادپردازی شب دارای زمینه‌ای از هراس و ترس است، خورشید و روشنایی و صبحگاه برای مردم مطلوب و نماد سعادت و امن و آسایش است. زمانی که در کار کسی گشایشی شود، گویند خدا شب او را به روز بدل کرد. (همان)

ستارگان، نمادهای دیگر پدیده‌های طبیعی و آسمانی هستند که در اساطیر و نمادهای مردم دیده می‌شوند. ستاره، نماد بخت و اقبال است. ستارگان خاص هم نمادهای ویژه‌ای هستند. «گه‌لاویژ» (galâwi) نام ستاره‌ای است که نماد روشنایی، زیبایی، طالع بلند و فرا رسیدن فصل سرماست و یکی از ماه‌های سال (مرداد) نزد کردها و یکی از نام‌های دختران در کردستان است.

۴. عناصر اجتماعی

عناصر اجتماعی، برخلاف عناصر طبیعی، در ارتباط با جامعه و زندگی مردم و فعالیت‌های انسانی هستند. وجه مشخصه این نمادها آن است که طبیعی نیستند و به واسطه دخالت انسان، هم طبیعت و هم فرهنگ در آنها قرار گرفته است. برای مثال، مواردی مانند غذا یا کوزه هم شامل جنبه و بعدی طبیعی هستند و هم آنکه به دلیل ساخته و پرداخته شدن آنها به دست انسان و بنابراین تفاوت ایجاد شدن در بین آنها، فرهنگی و اجتماعی تلقی می‌شوند.

آسیاب، نماد نظم، تکرارپذیری، روستا و یکجانشینی و آسیابان، نماد تلاش، مردم عادی، معیشت ساده، خدمت به مردم، صلح و نیکی است. همچنین، نان نماد دارایی، برکت و تقدس است. در کردستان به نان و گندم سوگند یاد می‌کنند:

سوند به چاکی کسکوانی، سوند به گهرمی سورو، و قه‌سه‌م به نانی

sowend ba ۹۹ki kaskowani, sowend ba garmi surva, qasam ba nâni

نمادشناسی در فرهنگ مردم کرد ❖ ۱۰۷

سوگند به خاک کسکوان (نام زیارتگاهی در اطراف مهاباد)، سوگند به گندم سرخ و سوگند به نان. (ایوبیان، ۱۳۷۴: ۲۶)

یکی از نمادهای دیگر، اجاق است که همان آتش خانگی است. نماد اجاق اگر چه با آتش تشابهاتی دارد، اما موضوع مهم درباره اجاق آن است که پیوند مهمی با خانه و خانواده در بین کردها دارد. اجاق، نماد خانواده، نسل و اعضای خانواده است. ههوار (hawâr) یا مکان ایل، نماد هجرت، کوچ و فراق است که برای مردم، ترک کردن دیار و عزیزانشان را تداعی می‌کند. در یک شعر اورامی کردی، شاعر خطاب به باد چنین می‌گوید:

به و دهشت و دهردا سیر گیله خه‌پله ئاخ‌ر شی وه لای هه‌وارگه‌ی له‌پله

baw da to dardâ sir gila xayle, ?âxer i wa lâw hawâr gay layle

(ای باد شمال) در آن کوه و دشت بسیار بگذر، سرانجام به هه‌وارگاه لیلی

برو. (کاردوخی، ۱۳۸۵: ۲۸)

۵. نمادهای انتزاعی

به نظر کلود لوی اشتراوس، فرهنگ را می‌توان چون مجموعه‌ای از قواعد نمادین در نظر گرفت که در ردیف نخست این قواعد، زبان، آیین‌های ازدواج، روابط اقتصادی، هنر، علم و مذهب جای می‌گیرند (لیچ، ۱۳۵۸: ۶۰). هر نماد در واقع منعکس‌کننده مفاهیم مهمی است. برخی از مفاهیم می‌توانند خود به عنوان نماد باشند؛ چراکه مفاهیمی ورای آن مفهوم اولیه و اصلی را که در زبان مردم یک جامعه تعریف شده است، نشان می‌دهند که تنها برای افراد آشنا به فرهنگ و زندگی مردم آن فرهنگ قابل درک است. نمادهای انتزاعی عنوانی است که برای مجموعه‌ای از مفاهیم کلی و نمادین برگزیده‌ایم که شامل نمادها و مفاهیمی چون اعداد، رنگ‌ها و ... می‌شود.

عدد، از پدیده‌های جهان‌شمول است که در فرهنگ بشری به عنوان کیفیت‌های مهم مورد توجه قرار گرفته‌اند. در ادیان باستانی و فرهنگ و زندگی روزمره مردم ایران نیز اعداد مانند جوامع دیگر جایگاه خاصی دارند. به برخی اعداد معانی و ارزش‌های مقدس یا منحوس نسبت داده می‌شود. برای مثال، عدد هفت و عدد سیزده ارزش‌های متضادی دارند. چهل و هفت نیز از جمله اعداد مهم در ایران است. «[عدد] هفت در ارتباط با هفت روز هفته، هفت سیاره، هفت مرحله کمال، هفت فلک یا طبقه آسمان، هفت گلبرگ گل سرخ، اژدهای هفت سر و...» (گربان و شوالیه، ۱۳۷۸: ۵۵۷). عدد هفت، از جنبه نمادین و فلسفی آن، به معنای کثرت، تکامل، خرد و... است. در فرهنگ مردم ایران اصطلاحاتی چون هفت کفن پوساندن، از هفت خوان گذشتن، هفت جان داشتن، هفت قلم آرایش کردن رایج است (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۳). همچنین هفت اقلیم را درنوردیدن یا وجود هفت‌سین، نشانه اهمیت داشتن این عدد نزد آنان است. ارزش نمادین این عدد در فرهنگ مردم کرد در اصطلاحاتی چون هفت کلوخ نمک خوردن (استعاره از رنج زیاد بردن)، هفت رنگ عوض کردن (کنایه از شرمنده شدن)، هفت منزل راه بودن (کنایه از دور بودن)، هفت درد داشتن (کنایه از مصیبت زیاد)، هفت اقلیم جهان (کنایه از سراسر گیتی)، آسمان هفتم (کنایه از ارتفاع زیاد) و... به معنای کثرت و اغراق است. مواردی چون هفت «عه و دال» (هفت عارف و پیر)، هفت درمان (هفت دارو)، اهمیت شکار حیوانی (کلی) که هفت سال داشته باشد، در کردستان نیز حکایت از اهمیت این عدد دارد.

در اشعار و فولکلور مردم منطقه، اشعار و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های بسیاری، گویای اهمیت و معنای نمادین عدد هفت برای کردهاست.

نمادشناسی در فرهنگ مردم کرد ❖ ۱۰۹

هەر که سی نهیبی ههوت دوست به جاری ههوت کوستی که وی
هه‌ریه‌ک له شاری

har kasi naybi hawet dust be jâri hawet kusti kawey haryek lea ۹۹ri

هرکسی که هفت دوست و یار نداشته باشد، [همان بهتر که] هفت مصیبت
(کنایه از رنج بسیار) دچار شود. (گوران، بی‌تا: ۳۲۳)

اصطلاح به ههوت ئاو تهرنابی *bea hawet ?âve tarnâbi* کنایه از اعتراف
نکردن و به خود نگرفتن است. (رخزادی، ۸۵:۱۳۸۵)

ژنیان کرد به کوخا، سالی ههوت جار بزنی بریوه

enyân kerd be kewexâ sâli hawet jâr bezni beriwe

اختیار و مدیریت را به زن دادند، در طول یک سال، هفت بار بزغاله را از
شیر گرفت. مفهوم آن این است که خست به خرج داد. (خال، ۱۹۷۱: ۲۶۵)
در قصه‌های کردی نیز عدد هفت اهمیت دارد؛ مانند وجود مار هفت سر یا
هفت برادر در منظومه معروف «خج و سیامند».

علاوه بر هفت، عدد سه و چهل نیز در فرهنگ مردم کُرد دارای اهمیت و
بار دینی هستند. «در کردستان سه بار برای مردگان خیرات می‌کنند و یکی از
آنها ولیمه‌های شب سوم و هفتم است که تعداد مهمانان آن حدود چهل تن
است» (حسن‌زاده، پیشین: ۱۸۶). بزرگ‌ترین واحد تقسیم‌بندی در یک سال،
چله است. چله زمستان و چله تابستان معروف‌ترین این چله‌ها هستند و هر
کدام یک دوره چهل روزه را شامل می‌شود که یکی از آنها گرم‌ترین و دیگری
سردترین روزها در یک سال است. گاه زمستان خود به دو چله بزرگ و چله
کوچک به مدت ۶۰ روز تقسیم می‌شد و پایان دو چله، آغاز بهار بوده است.
(سلیمی و کهریزی: ۱۳۸۷: ۱۷)

عدد سه همچنان که در ادیان کهن ایران عددی مهم، کلیدی و نمادین است، در فرهنگ مردم کرد نیز عددی مهم به شمار می رود. «در میان مردم کرمانشاه، رسم این است که هرگاه کسی بخواهد به سفر دور و درازی برود، او را سه بار از زیر قرآن می گذرانند.» (افشار سیستانی، ۱۳۶۶: ۱۳۸۱)

جمع بندی

همچنان که در این گفتار آمد، نمادها در فرهنگ کردستان و جامعه سنتی آن اهمیت زیادی دارند. مردم در زندگی روزمره از نمادهای فرهنگی برای ارتباط با دیگران و بیان مفاهیم خود بهره می جویند. طبیعت و فرهنگ، هرکدام سهم خاص خود را در نمادسازی مردم دارند. بیان نمادین، طیف گسترده‌ای را در نظام فرهنگی داراست که از اظهار به نسبت سهل و کمتری پیچیده تا اظهار پیچیده و چند معنایی را دربرمی گیرد. انواع اشعار، ضرب‌المثل‌ها و اعتقادات مردم، صورت‌های پیچیده و همچنین ساده بیان نمادین را دارا هستند.

عناصر تشکیل دهنده نمادها همواره تناسب و ارتباطی منطقی با جهان واقعی و زندگی اجتماعی دارند. از آنجا که هر پدیده نمادین دارای وجوه متعدد اجتماعی و طبیعی است، می تواند در عین حال چندین معنا و حتی متضاد با یکدیگر داشته باشد.

در فرهنگ کردستان نمادهای شفاهی شامل نمادهای گفتاری و آیینی و نمادهای غیرشفاهی و تجسمی در انتقال مفاهیم و تداوم نظام فرهنگی گذشتگان نقش مهمی را ایفا می کنند. اگر نظام نمادین را بخشی از ویژگی جوامع سنتی به شمار آوریم، می توان گفت که زبان گفتاری این گونه جوامع و در اینجا جامعه کردستان، بیشتر زبانی کلی گرا، بدون انقطاع و دارای ابهام است که این ویژگی، فاصله آن را با زبان منقطع، تقلیل دهنده و علمی بیشتر می کند.

از سوی دیگر بستر نمادینی که زبان در آن قرار گرفته است، بر زبان صرفاً ارتباطی و جزئی اولویت دارد و سهم آن در زندگی مردم بیشتر است. حضور گسترده اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و امثال آن در زبان کردها نشان می‌دهد، در کردستان نمی‌توان مرز مشخصی بین نظام گفتاری نمادین و نظام گفتاری غیرنمادین (ارتباطی) قائل شد و از این نظر، نظام فرهنگی کردها نظامی کاملاً سنتی است که ممکن است با گذشت دوره‌های طولانی، چنین مشخصه‌ای را پشت سر گذارد و وارد زبان گفتاری ارتباطی و دقیق یا تقلیل یافته شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) کتاب

۱. افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶). کرمانشاهان و تمدن دیرینه آن. تهران: نگارستان.
۲. امینی، امیر (۱۳۸۶). فرهنگ گیاهان دارویی. قائم شهر: آرام گستر.
۳. ایوبیان، عبیدالله (۱۳۷۴). چریکه خج و سیامند. تهران: فرجام.
۴. خال، شیخ محمد (۱۹۷۱). په ندی پیشینیان. سلیمانیه: بی نا.
۵. رخزادی، علی (۱۳۸۵). گواری کورده واری؛ په ندی پیشینیان، امثال و حکم کوردی. سنندج: کردستان.
۶. سلیمی، هاشم و کهریزی، ثریا (۱۳۸۷). ژانه ژین؛ لالایی مادران کرد. تهران: آنا.
۷. کاردوخی، محمد ثمین (۱۳۸۵). دیوانی صهیدی. سنندج: کردستان.
۸. گبران، آلن و شوالیه، ژان (۱۳۷۸). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضاییلی. تهران: جیحون.
۹. گوران، حهسن (بی تا). ناله شکینه. بی جا: مؤلف.
۱۰. لیسکو، روژی (۱۳۸۱). نه فسانه‌ی مهمی نالان نه میری کوردان به ییتی فولکلوریک. بازنویسی مه‌مه‌د ره‌پانی. بی جا: انتشارات آروبیج.
۱۱. لیچ، ادموند (۱۳۵۸). لوی اشتراوس. ترجمه حمید عنایت. تهران: خوارزمی.
۱۲. مدرسی، عه‌بدو‌الکریم (۱۳۸۴). دیوانی مه‌وله‌وی. سنندج: کردستان.

ب) مقاله

- حسن‌زاده، آمنه (۱۳۸۶). «جایگاه اعداد در فرهنگ مردم ایران با تأکید بر اعداد هفت و چهل». فرهنگ مردم ایران. ش ۱۰.